

## آیین دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی

آمنه خلیلی نیک<sup>۱</sup>، محمدرضا الهی منش<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران\*

\*نویسنده مسئول

### چکیده

به تبع جرائم و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، آیین رسیدگی به جرائم آن‌ها مطرح می‌شود. افتراقی شدن دادرسی کیفری اشخاص حقوقی دارای اهداف مختلفی است. این مدل از دادرسی افزون بر تکمیل مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری و رفع نارسایی‌ها در مورد شخص حقوقی به لحاظ تفاوت ساختاری، اهداف دیگری از قبیل امنیت مداری و تشدید مجازات‌ها در برخی جرائم خاص، حمایت از شخص حقوقی و اعضاء آن به‌عنوان بزه‌دیده و مقابله مؤثر با اشکال و شیوه‌های نوین ارتکاب جرم را دنبال می‌کند. موضوع این مقاله تحلیل مبانی و جلوه‌های خاص دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی با روش تحلیلی-توصیفی است. ازجمله مبانی این افتراقی‌سازی افتراقی شدن نظام دادرسی به اعتبار شخصیت مرتکب، ویژگی‌های شخص حقوقی و عدم امکان اجرای برخی آیین و مقررات دادرسی در خصوص آن‌ها می‌باشد که به‌ناچار قانون‌گذار آیین خاصی را برای رسیدگی به جرائم اشخاص مذکور مقرر نموده ازجمله اینکه؛ عملاً جلب اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست و هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا نماینده‌ی قانونی یا وکیل خود را جهت تبیین اتهام معرفی نماید و در صورت دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به شخص حقوقی، به نحو مقتضی قرارهای خاصی ازجمله قرار ممنوعیت انجام بعضی فعالیت‌های شغلی و یا قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی صادر گردد.

**کلیدواژگان:** شخص حقوقی، نماینده‌ی قانونی، مسئولیت کیفری اشتقاقی، آیین دادرسی افتراقی

## مقدمه

میدانید که مطابق قانون اشخاص به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم میشوند. در گذشته تنها اشخاص حقیقی بودند که جرمی مرتکب میشدند و قانون آن‌ها را مجازات میکرد. اما این روزها با افزایش شرکتهای حقوقی دیگر نمیتوان گفت که تنها اشخاص حقیقی جرمی مرتکب میشوند، بلکه همین افراد در قالب شرکتهای نیز مرتکب جرم شده و به عبارتی فعالیت مجرمانه انجام میدهند. با این حال ممکن است تصور آنکه یک شرکت و شخصیت حقوقی را مجازات کرد سخت باشد. اما قانون، بیان شرایطی را پیش‌بینی نموده است که چنانچه شرکت یا شخصیت حقوقی فعالیت مجرمانه‌ای انجام داد، سیستم قضایی کشور امکان تعقیب و پیگیری و صدور حکم درمورد آن را داشته باشد. شخص حقوقی در مقابل شخص حقیقی قرار دارد و اشخاص حقوقی معمولاً از گروهی از افراد در کنار هم و یا تعدادی نهاد، موسسه، شرکت و... تشکیل می‌شود.

به تدریج با نضج ادعای مدنی نسبت به شرکتهای مختلف و طلب غرامت از آن‌ها، طرح مسئولیت کیفری آن‌ها نیز جان تازه‌ای گرفت. از سوی دیگر، تنوع فعالیت این اشخاص به گونه‌ای است که در عین حال که تولیدکننده و ارائه‌کننده خدمات هستند، مبارزان سیاسی، کارفرما و آلوده‌کننده محیط زیست هم هستند. اساسنامه و مقرراتی که این اشخاص تابع آن‌ها هستند مفید بودن و خوب بودن آن‌ها را وانمود می‌کنند. در حالیکه در پس پرده این همه حمایت‌های قانونی این اشخاص، با توجه به نیروی انسانی و مادی هنگفتی که در اختیار دارند، از قدرت مافوقی جهت ارتکاب جرائم برخوردارند، به گونه‌ای که آثار زیان بار این جرائم به خصوص از لحاظ وسعت خسارات و نیز زیان دیدگان از جرم، به هیچ وجه قابل مقایسه با جرائم اشخاص حقیقی نیست. کنترل رفتار زیان‌بار اشخاص حقوقی اجتناب‌ناپذیر است و قصور در آن به معنای بی‌دفاع‌گذاشتن جامعه در مقابل مخاطرات جدی اشخاص حقوقی است. با این رویکرد، ایجاد سطحی مناسب از مسئولیت اشخاص حقوقی از جمله چالش‌های مهم حقوق معاصر است.

با این تفاسیر میتوان ادعان کرد همچنانکه این اشخاص می‌توانند منشا خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهمی باشند. مانند سایر اشخاص ممکن است در زندگی روزمره خود مرتکب تخلفات و اقداماتی شوند که جرم محسوب می‌شوند و یا ایجاد مسئولیت می‌کنند. در مورد اینکه شخص حقوقی باید اقدامات زیان بار خود را جبران کند، شک و شبه‌ای وجود ندارد، اما بحث در مورد امکان اجرای مجازات درباره شخص حقوقی بسیار زیاد است و نظریات گوناگونی ارائه شده است. سرانجام با توجه به گسترش روزافزون شمار اشخاص حقوقی و نفوذ آن‌ها در اغلب جنبه‌های زندگی اجتماعی همواره واقعیاتی دیگر از مسائل مرتبط با این اشخاص مورد پذیرش قانونگذاران قرار می‌گیرند.

ایجاد امنیت و آرامش در جامعه از طریق مجازات بزهکاران با اعمال تدابیر امنیتی و تربیتی بر عهده قدرت عمومی، که به دولت تعبیر می‌شود، نهاده شده است و مجموع قواعد و مقرراتی که در طول رسیدگی کیفری، به معنای گسترده آن، باید رعایت شوند موضوع یکی از شاخه‌های علوم جنایی است که آیین دادرسی کیفری نامیده می‌شود؛ از جمله اهداف اصلی و اساسی آن حفظ و صیانت از مصالح جامعه، رعایت حقوق متهم و متضرر از جرم، تفکیک اتهامات صحیح از تعقیب ناصحیح و نیز پیشگیری از اشتباهات قضایی است.

به تبع جرائم از سوی اشخاص حقوقی، این پرسش مطرح می‌شود که آیین رسیدگی به جرائم این اشخاص چگونه خواهد بود؟ و از این رو مسائلی مطرح میشوند که مبانی افتراقی بودن آیین دادرسی کیفری اشخاص حقوقی چه هستند؟ و اینکه شرایط مسئولیت و نحوه تعیین مجازات چگونه خواهد بود؟

اما آنچه ضرورت این تحقیق را توجیه می‌کند این است که تا کنون تحقیقی با رویکرد حقوقی و به صورت تخصصی افتراق آیین رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی را بررسی نکرده است. با مذاقه در سوابق و پیشینه تحقیق نیز میتوان گفت آثاری در قالبهای مختلف در خصوص مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی تدوین و تالیف شده‌اند، ولی هیچکدام در حیطه افتراقی بودن رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی نیست. البته کتابی از گزارش همایش "اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری و آیین دادرسی" در پژوهشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی در سال ۱۳۹۵ تهیه و تنظیم شده است که خلاصه آن بدین شرح است: قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴۳ به بیان شرایط تحقیق مسئولیت کیفری این اشخاص پرداخته است و از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری در مواد ۴۹۶ تا ۶۸۸ به آیین دادرسی اشخاص حقوقی پرداخته است.

روش اجرای تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و به لحاظ هدف، کاربردی است. همچنین به لحاظ نوع و ماهیت داده‌ها، این تحقیق کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری و کارت مشاهده بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کیفی از نوع استدلال استنتاجی است. مطالب تحقیق در دو بخش تدوین شده است. در بخش نخست مباحث ماهوی یعنی مبانی و شرایط مسئولیت و نحوه تعیین مجازات اشخاص حقوقی بررسی می‌شود و بخش دوم اختصاص به آیین دادرسی این جرائم دارد.

### بخش نخست: مبانی و شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در دنیا در دو مرحله متفاوت ظاهر شده است در مرحله ابتدایی در کنار مسئولیت شخص حقیقی اقداماتی نیز عیله شخص حقوقی که جرم از رهگذر آن انجام می‌شود، قابل اعمال است. مثل بستن کارخانه ای که مواد خوراکی غیر سالم تولید کند یا تعطیلی رسانه‌ای که جرم از طریق آن انجام می‌شود. این الگو از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بیشتر شباهت به اقدامات تامینی دارد که با هدف حذف موقعیت های جرم‌خیز اعمال میشوند و در قوانین ما نیز از ابتدا تا بحال شاهد پیش‌بینی نمونه های مختلف این مقررات بوده‌ایم. در مرحله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مفهوم گسترده و در عین حال دقیق‌تری پیدا کرده است که موضوع بحث ما است.

قبل از اینکه وارد بحث دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی شویم، باید به این نکته اشاره کنیم که به موجب قانون مجازات اسلامی-بعد از قانون جرائم رایانه‌ای- برای نخستین بار یک نظام منسجم در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است. از نظر ماهوی، شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین گردیده که در صورت تحقق آن شرایط، مجازات‌های مقرر در ماده‌ی ۲۰ با شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۲۱ و ۲۲ در مورد این اشخاص اعمال می‌شود. وقتی از نظر ماهوی یک نظام خاص برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پیش‌بینی می‌شود باید توجه داشت که این موضوع نیازمند دادرسی ویژه‌ای است زیرا ماهیت جرائم اشخاص حقوقی با جرائم عمومی متفاوت است و تمام مقررات دادرسی جرائم اشخاص حقیقی در مورد اشخاص حقوقی قابل اجرا نیستند. بر همین اساس ابتدا باید مشخص شود مبنای مسئولیت کیفری شخص حقوقی چیست تا پس از آن در مورد شرایط تحقق مسئولیت کیفری او بحث شود.

### مبانی نظری

نکته اول: حدود ۳۰۰ سال است که در رابطه با پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف بحث وجود داشته است. سه مورد از ایرادهای مخالفان پذیرش مسئولیت کیفری

اشخاص حقوقی، در حوزه مجازات‌ها مطرح می‌شود. یکی از این ایرادها، عدم امکان اعمال برخی مجازات‌ها مانند حبس، تبعید، مجازات‌های بدنی و مجازات‌های جایگزین در مورد اشخاص حقوقی است.

ایراد دوم، عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. ایراد سوم، عدم تحقق اهداف مجازات‌ها در کیفردهی اشخاص حقوقی است.

در مورد عدم امکان اعمال مجازات‌ها، پاسخ این است که هرچند در ماده ۲۰ ق.م.ا نیز، مجازات‌هایی مثل حبس و تبعید، قابل اعمال نیست، ولی میتوان از مجازات‌های متناظر با مجازات‌های اشخاص حقیقی، برای کیفر اشخاص حقوقی استفاده کرد، مثلاً، در بند ۱ ماده ۲۰، به جای مجازات اعدام، انحلال شخص حقوقی، پیش‌بینی شده است. لغو موقت پروانه را نیز میتوان با مجازات حبس متناظر دانست. برخی از مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز، عیناً همان مجازات‌هایی است که در مورد اشخاص حقیقی اعمال می‌شود. مثلاً، جزای نقدی در بند ج و انتشار حکم محکومیت بوسیله رسانه‌ها در بند چ ماده ۲۰، بین اشخاص حقیقی و حقوقی مشترک است. افزون بر این، برخی مجازات‌ها نیز مانند ممنوعیت از فعالیت‌های شغلی یا ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه دربندت، مختص اشخاص حقوقی است.

به نظر برخی، وقتی مجازات در مورد اشخاص حقوقی اعمال می‌شود به سهامداران این شرکت تسری می‌یابد. این ایراد در مورد مجازات‌های اشخاص حقیقی هم وجود دارد. مثلاً حبس کردن سرپرست یک خانواده، بر روی کل خانواده از لحاظ اجتماعی و اقتصادی تاثیر منفی دارد. بنابراین، این ایراد نیز قابل پاسخ است. ضمن اینکه متضرر اصلی و اولیه که مجازات در مورد وی اعمال می‌شود شخص حقوقی است و سهام‌داران به تبع او و بطور غیرمستقیم متضرر میشوند.

در مورد ایراد عدم تحقق اهداف مجازات‌ها در مورد اشخاص حقوقی نیز باید گفت، اگر هدف اصلاح و بازپروری در مورد این اشخاص، قابلیت اعمال ندارد، سایر اهداف مانند ارباب، پیشگیری، مدیریت و کنترل جرم، سرکوبگری و تشفی خاطر جامعه و بزه‌دیده، قابل تحقق است.

نکته دوم، توجیه انتساب جرم به اشخاص حقوقی است. نیک پیداست اشخاص حقوقی اهلیت جرمی یعنی قابلیت و توان فیزیکی و عملی برای ارتکاب جرم ندارند. بدیهی است ارتکاب جرم از یک طرف نیازمند قابلیت اندیشیدن، تشخیص و اختیار و اراده و از سوی دیگر تنها از طریق اعضاء و جوارح قابل تحقق است. بر همین اساس جرم واقعی به ما هو جرم، همواره توسط اشخاص حقیقی ارتکاب می‌یابد و تحت شرایطی که در ماده (۱۴۳) ق.م.ا بیان شده است شخص حقوقی نیز علاوه بر شخص حقیقی مرتکب جرم مسئولیت کیفری دارد. نتیجه اینکه مسئولیت کیفری شخص حقوقی وضعیتی تبعی، ثانوی یا کمانه ای دارد به این معنی که ماهیت مجرمانه خود را از مجرمیت شخص حقیقی اخذ و به عاریت می‌گیرد. روشن است تصور مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی بدون ارتکاب جرم از ناحیه شخص حقیقی مقدور نیست. بر همین اساس در ابتدا و انتهای ماده (۱۴۳) و آخرماده (۲۰) ق.م.ا بر اصالت مسئولیت شخص حقیقی تاکید شده است. نتیجه اینکه شخص حقوقی گرچه اهلیت جرمی یا قابلیت ارتکاب جرم ندارد، اما اهلیت تحمل مسئولیت کیفری را به موجب اعتبارات قانونی و تحت شرایط مشخص دارد. گرچه در سنجش با مقیاس آموزه‌های کلاسیک، شخص حقوقی فاقد مسئولیت اخلاقی بوده و قابلیت سرزنش ندارد، اما در سنجش مکاتب حقوقی و آن دسته از آموزه‌های جرم‌شناسی که اولویت را به مسئولیت اجتماعی می‌دهند، نمی‌توان اشخاص حقوقی را فاقد مسئولیت اجتماعی دانست. کما اینکه پذیرش مسئولیت مدنی و تحمل تکلیف و دارا بودن حق به عنوان مصادیق بارزی

از مسئولیت اجتماعی همواره در مورد اشخاص حقوقی مطرح بوده است. امروزه بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اجتماع بطور مستقیم توسط اشخاص حقوقی انجام می‌شود، بدیهی است در این رهگذر زمینه ارتکاب جرم منتسب به آن‌ها نیز فراهم می‌شود

### شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

از مبانی انتساب جرم به اشخاص حقوقی که عبور کنیم، مهمترین بحث در این قلمرو شرایط انتساب جرم به این اشخاص است. همانطور که در ماده (۱۴۳) ق.م.ا و ماده ۱-۲۱ و ۲-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شده است شرط نخست، ارتکاب واقعی جرم توسط "نماینده قانونی" شخص حقوقی است. نماینده قانونی یعنی کسی که به موجب قانون یا بطور معمول و متعارف در قلمرویی که جرم انجام شده است، وظایف یا امورات شخص حقوقی را بعهده دارد.

شرط بعدی که در مقررات فوق‌الذکر به آن تصریح شده است این است که جرم "بنام و در راستای منافع" شخص حقوقی باشد که در ماده (۱۴۳) ق.م.ا برخلاف قانون جرائم رایانه‌ای و بر خلاف قانون فرانسه بجای "و" از "یا" استفاده شده و این بی‌توجهی سبب توسعه غیرضروری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. بطور کلی منظور از قید بنام و در راستای مجموعاً این است که جرم برای شخص حقوقی و به خاطر منافع او ارتکاب یابد، نه منافع فردی مرتکب. اینکه چه امری در راستای منافع محسوب می‌شود، خود نیاز به بحث موسع دارد.

موضوع مهمی که در بحث شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی باید مورد توجه و نظر باشد تبصره ماده ۲۰ است به موجب این تبصره مجازات اشخاص حقوقی در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت میکنند، اعمال نمی‌شود. اعمال حاکمیت مواردی مثل قانونگذاری، قضا، وظایف ذاتی دولت، پلیس و دیگر کارگذاران حاکمیت است که قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست. بنابراین حاکمیت در وظایف تصدی‌گری مثل بانکداری و فعالیت‌های بیمه‌ای، تولید، توزیع و امور خدماتی، همانند سایر اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری دارد.

نکته آخر اینکه در مورد دیه و سایر خسارت‌ها اگر بین رفتار منتسب به اشخاص حقوقی و خسارت بدنی یا مالی وارده رابطه علیت باشد مطابق مقررات عمومی اشخاص حقوقی ضامن می‌باشند. گرچه این امر از مقررات عمومی قابل استنباط است، اما به صورت خاص در تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا نیز پیش‌بینی شده است. از بعد رعایت حقوق مردم و توجه به نظم اجتماع این خلاء قانونی قابل اغماض نیست که اگر در یک رفتار مجرمانه مثل سوانح راه‌آهن، حوادث مکرر و متعدد ناشی از نقص در تولید محصولاتی مثل اتومبیل یا تولید دارو غذا و ... یا حوادثی که ممکن است از ناحیه اشخاص حقوقی برای مثال یک حادثه ناشی از فعالیت نیروگاه‌های هسته‌ای رخ دهد، جبران مستقیم توسط اشخاص حقیقی در کنار اشخاص حقوقی به سهم مسئولیت خود سبب بلا جبران ماندن زیان‌ها خواهد شد، چه اینکه توان فردی محدود است و ضمانت اجرایی مثل حبس نیز فایده‌ای برای متضرر ندارد. در اصلاحات قانون باید پیش‌بینی شود که در این شرایط تمام ضرر و زیان‌ها و دیه توسط شخص حقوقی پرداخت و بعداً می‌تواند به نسبت مسئولیت، به شخص حقیقی مسئول مراجعه نماید. مشابه این نظام در ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری پیرامون جبران زیان ناشی از بازداشت افراد بی‌گناه پیش‌بینی شده است.

## تعیین قانونی مجازات‌های اشخاص حقوقی

قلمرو مبحث پیش روی معطوف به بخشی از اجزای اختصاصی این جرائم یعنی نحوه پیش‌بینی مجازات‌ها برای جرائم ارتكابی اشخاص حقوقی در قانون است. به طور کلی در نظام‌هایی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته‌اند، به دو شکل عمل می‌شود. در روش نخست، مانند نظام حقوقی فرانسه، در مقررات حقوق جزای اختصاصی پس از تعریف یک جرم، مجازات آن برای شخص حقیقی و حقوقی به تفکیک پیش‌بینی می‌شود. در شیوه دیگر که روش اتخاذ شده توسط قانون‌گذار ایران است، شرایط احراز و تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به طور کلی یکجا مشخص می‌شود. و یک دسته از مجازات‌ها را برای تحمیل بر اشخاص حقوقی احصا می‌کنند. در نظام حقوقی ما به موجب ماده ۱۴۳، شرایط ارتكاب جرم به صورت کلی ذکر شده است، قابل یادآوری است که قانون‌گذار، تنها قابلیت ارتكاب جرائم تعذیری از سوی اشخاص حقوقی را پذیرفته است. زیرا در تبصره ماده ۱۴ بیان نموده است که اعمال مجازات‌های تعذیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ است و این ماده فقط به محازات‌های تعذیری اختصاص دارد. در جرائم تعذیری نیز هر جرمی توسط اشخاص حقوقی قابل ارتكاب نیست. تعیین نوع جرایمی که توسط اشخاص حقوقی قابل ارتكاب است، بر عهده رویه‌های قضایی است، زیرا قانون‌گذار، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بطور عام پذیرفته است. در این قلمرو با سه دسته از جرائم مواجه خواهیم شد. دسته اول، جرایمی هستند که امکان تحقق آن‌ها توسط اشخاص حقوقی مشخص و محرز است، مثل جرائم زیست‌محیطی، گمرکی، بانکی و بیمه‌ای و عدم رعایت نظامات دولتی منجر به قتل غیر عمدی، نیک پیداست در انتساب جرم به اشخاص حقوقی تفاوتی بین جرائم عمد و غیر عمد نیست. اگر مدیر تولید یک شرکت تولیدی در رعایت مقررات به خاطر منافع آن شرکت کوتاهی کند و نتیجه مجرمانه‌ای حاصل شود، این رفتار مجرمانه قابلیت انتساب به شخصیت حقوقی شرکت را دارد. دسته دوم، جرایمی مثل جرائم جنسی و استعمال موادمخدر است که تنها توسط انسان زنده قابل ارتكاب است.

## تعیین قضایی مجازات اشخاص حقوقی

قانون‌گذار، رهنمودهای تعیین کیفر را در مورد اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. این رهنمودها به موجب ماده ۲۰ شامل دو دسته رهنمودهای اجباری و رهنمودهای توصیه‌ای است. در رهنمودهای اجباری برخی معیارها مشخص شده است و مجازات‌ها براساس این معیارها و نیز توجه به اصل تناسب قابل اعمال است. یکی از رهنمودهای اجباری در متن ماده ۲۰ با عبارت "به یک یا دو مورد از موارد زیر..."، مشخص می‌شود. پس اختیار قاضی محدود به اعمال دو مورد از مجازات‌های مشخص شده در ماده ۲۰ است. رهنمود اجباری دوم، در ماده ۲۱ در مورد جزای نقدی به چشم می‌خورد؛ در این ماده، میزان جزای نقدی حداقل دو و حداکثر چهار برابر جزای نقدی است که در قانون برای ارتكاب آن جرم توسط اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است. توضیح اینکه برای مثال اگر در قانون برای جرمی جزای نقدی درجه هفت یعنی ده میلیون تا بیست میلیون تعیین شده است، اگر جرم منتسب به اشخاص حقوقی باشد، مجازات قانونی این جرم برای اشخاص حقوقی بیست تا چهل میلیون ریال است. معیار اجباری سوم ماده ۲۲ است که قانون‌گذار از رهگذر آن در مورد دو مجازات شدید انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال معیار تعیین کرده است. به دلیل اینکه این مجازات‌ها در واقع، نوعی مرگ مدنی برای شخص حقوقی است به راحتی قابل اعمال نیست؛ هنگامی که شخص حقوقی برای ارتكاب جرم تشکیل شده باشد یا پس از ایجاد منحصرًا تمام فعالیت خود را به سمت و سوی ارتكاب جرم سوق دهد، این دو مجازات قابل اعمال است.

رهنمودهای توصیه‌ای در ماده ۲۰ ذکر شده است. این رهنمودها، برخلاف رهنمود اجباری، پس از ارائه معیارهای معین اتخاذ تصمیم را به صلاحدید و اختیار قاضی واگذار نموده است. اما در این زمینه، معیار دقیق ارائه نشده است و قانون‌گذار به بیان توصیه‌های کلی یعنی: "با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن..." اکتفا نموده است. این توصیه با توصیه مندرج در ماده ۲۳ ق.م.ا در مورد مجازات‌های تکمیلی، نیز تفاوت دارد. در ماده ۲۳ در خصوص مجازات‌های تکمیلی مقرر شده است: "با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی (مرتکب) یک یا چند مجازات اعمال می‌شود..." در ماده ۲۳، مجازات باید متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی باشد، در حالی که در ماده ۲۰ شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن واجد اهمیت است. عبارت مقرر در ماده ۲۳ ق.م.ا عبارت رسا و کامل‌تری است که تمام مولفه‌های اصل تناسب جرم و مجازات و اصل فردی کردن را پیش‌بینی کرده است، ولی ماده ۲۰ فقط به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار یعنی آثار عینی و نه آثار ذهنی جرم توجه شده است. شاید بتوان گفت در مورد اشخاص حقوقی، ویژگی‌های روانی و انگیزه و وضعیت شخصی مطرح نیست، لذا قانون‌گذار، فقط به آثار عینی جرم توجه کرده است، اما در ماده ۲۳ در بحث مجازات‌های تکمیلی، توجه به شخصیت مرتکب لازم است.

### بخش دوم: آیین دادرسی کیفری جرائم اشخاص حقوقی

وقتی از نظر ماهوی یک سیستم و نظام خاصی برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پیش‌بینی می‌شود، باید توجه نمود که این موضوع نیازمند دادرسی ویژه نیز می‌باشد؛ زیرا ماهیت جرائم اشخاص حقوقی با جرائم عمومی متفاوت است و تمام مقررات دادرسی جرائم اشخاص حقیقی در مورد اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست. از طرفی تعقیب و محاکمه اشخاص حقوقی نیازمند مقررات خاصی است که در مورد اشخاص حقیقی موضوعیت ندارد. این وضعیت بستر و زمینه ساز "دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی" است.

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید دو سیاست در این مورد مدنظر بوده که در ظاهر باهم تعارض داشته، اما در حقیقت قابل جمع و هرکدام نیز در قلمرو مربوط ضروری و کارساز می‌باشند. این دو سیاست عبارتند از "سیاست یکسان‌سازی آیین‌های دادرسی" و "سیاست افتراقی سازی آیین دادرسی". یکسان‌سازی آیین دادرسی یکی از سیاست‌هایی است که جلوه‌های آن در این قانون به طور مشخص قابل ملاحظه است، چرا که در این قانون تمام مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد "دادگاه کیفری" پیش‌بینی شده است و نه دادگاهی خاص. یعنی در جای جای قانون آیین دادرسی از این واژه -دادگاه کیفری- استفاده شده است. در ماده ۲۹۴ بیان شده که دادگاه‌های کیفری عبارتند از دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، دادگاه انقلاب، اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی.

به عبارت دیگر می‌توان گفت در مورد نظام دادرسی ای که در این قانون پیش‌بینی شده است، اصل بر این است که به صورت یکسان در تمام دادگاه‌ها اعمال شود مگر موارد خاص که دادرسی افتراقی مورد نظر و قابل توجیه باشد. این مسئله به خاطر تشتتی است که در نظام دادرسی ما وجود داشت به این نحو که در قوانین پراکنده شاهد وضع مقررات گوناگون و گاهی نامتناسب بودیم. نیک پیداست، پیش از این آیین دادرسی در دادگاه‌های نظامی شکل خاصی داشت و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب هریک به نحو دیگری بود. به عنوان مثال اگر کسی به اتهام جرمی تحت تعقیب قرار می‌گرفت که مجازات آن سالب حیات بود، در دادگاه نظامی با یک قاضی و شیوهی خاصی به این اتهام رسیدگی می‌شد که برگرفته از آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ بود، در حالی که اتهام مشابه در دادگاه‌های انقلاب با یک قاضی و با شیوه دیگری و در دادگاه‌های عمومی با پنج قاضی -که حضور هر پنج قاضی هم الزامی بود- رسیدگی میشد.

لذا یکسان سازی آیین دادرسی یکی از مبانی سیاست‌های حاکم بر تدوین این قانون است. اما این موضوع باعث نشد که قانون‌گذار از افتراقی سازی دادرسی که امروزه در تمام دنیا مطرح و از ابعاد مختلف مورد نظر است غفلت کند. بنابراین قانون‌گذار مسئله افتراقی سازی در دادگاه کیفری ۱ یعنی در دادگاه‌های نظامی، دادگاه کیفری ۱، دادگاه اطفال و نوجوانان و درمورد جرائم خاص مثل جرائم رایانه‌ای و جرائم اشخاص حقوقی مورد توجه قرار داده است. این موارد، از جمله مواردی است که قانون‌گذار سعی کرده تا در ارتباط با آن‌ها دادرسی‌های ویژه‌ای را با اهداف متفاوتی مقرر کند. برای مثال در مورد جرائم منافی عفت با هدف بزه‌پوشی، در مورد جرائم درجه ۷ و ۸ با هدف تسریع در رسیدگی، درمورد جرائم نظامی با هدف حمایت از اسرار ملی و توجه به ویژگی‌های خاص جرائم نظامی و در مورد جرائم رایانه‌ای با هدف توجه به ماهیت ویژه این جرائم و همچنین در مورد جرائم اشخاص حقوقی با هدف ارتقاء دادرسی و ضرورت وجود مقررات دادرسی خاص در مورد این جرائم، مسئله دادرسی افتراقی مورد توجه قرار گرفته است.

در قانون جدید یک فصل به آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی اختصاص داده که شامل مواد ۶۸۸ تا ۶۹۶ می‌باشد. یعنی در ضمن این مواد سعی شده است که افتراقی سازی آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی نمود پیدا کند. قبل از اینکه به بررسی این مواد بپردازیم باید نکته‌ای را متذکر شویم و آن این است که در زمان تدوین آیین دادرسی کیفری چون هنوز قانون مجازات اسلامی که به موجب آن نظام نوین مسئولیت کیفری تدوین شده است، نوشته نشده بود، این فصل نیز در آیین دادرسی کیفری مطرح نبود. زمانی که این قانون مراحل آخر تصویب خود را می‌گذراند، قانون مجازات اسلامی ابلاغ و نظام مشخصی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه شد. پس از آن بود که ما درصدد تدوین مقررات خاص برای رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی برآمدیم. پس از مطالعات لازم توسط کارگروه مربوط از جمله مطالعات تطبیقی، این نه ماده در قوه قضاییه تدوین و به طور مستقیم در کمیسیون قضایی مجلس ارائه شد که به شکل فعلی و تقریباً با تغییرات بسیار کمی به تصویب رسید.

می‌توان مقررات آیین دادرسی را در مورد اشخاص حقوقی به سه دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول که طیف وسیعی از مقررات آیین دادرسی را در بر می‌گیرد، مقررات عمومی آیین دادرسی است که در مورد اشخاص حقوقی نیز جاری است. در ماده ۶۹۶ ق.آ.د.ک اشاره شده است که هر کجا مقررات ویژه‌ای در مورد جرائم اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده باشد، مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری عمل می‌شود. دسته دوم شامل برخی از مقررات آیین دادرسی کیفری است که اصولاً در مورد اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارند. مثلاً مقرراتی که مربوط به حقوق فرد متهم در مرحله تحت نظر یا مقررات مربوط به توبه و سایر مواردی که قائم به ذات اشخاص حقیقی است و در مورد اشخاص حقوقی موضوعیت ندارد، یا برای مثال، مقررات مربوط به نظارت قضایی، و یا بخش زیادی از مقررات آیین دادرسی که در مقام رعایت کرامت انسانی است، در مورد اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارد. البته این نکته در قانون مورد توجه واقع شده و در ماده مزبور به قید "آن دسته از مقررات آیین دادرسی کیفری که در مورد اشخاص حقوقی قابل اجرا است" تصریح شده است. دسته سوم مقررات افتراقی است که در ماده ۶۸۸ الی ۶۹۶ پیش‌بینی شده است. برای تدوین این بخش، یک فرایند رسیدگی به جرم از ابتدای تعقیب، تا انتها اجرای حکم مورد مطالعه قرار گرفت و بخش‌های افتراقی آن استخراج شد. این موارد شامل ۸ نکته اساسی بود. یعنی به عبارت دیگر در این هشت زمینه مقررات دادرسی اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی متفاوت است.



## احضار شخص حقیقی به عنوان نماینده و اخطار به شخص حقوقی

مطابق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. به موجب تبصره این ماده تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. همچنین، در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کنند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند. اصولاً احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب و به موجب دستور مقام قضایی امکان‌پذیر است. اختیارات پلیس در مرحله کشف جرم با تفکیک جرائم مشهود و غیرمشهود متفاوت هستند. در جرائم مشهود ماموران پلیس حق دخالت دارند و به جهت حفظ آثار جرم و دستگیری متهم اقدام می‌کنند و متهم را ظرف ۲۴ ساعت نزد مقام قضایی حاضر می‌کنند.

اما در خصوص اشخاص حقوقی موارد مذکور متفاوت هستند. ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌کند: "هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست". شخص حقوقی که دارای وجود اعتباری است در مرحله وجود و بقاء محتاج اشخاصی است که به اداره امور آن پردازند. به عبارت دیگر، اعمال نظریه نمایندگی لازمه زندگی اقتصادی اشخاص حقوقی است و آنچه در خارج وجود دارد مدیران و نمایندگان شخص حقوقی است و ارتباط اعمال حقوقی مدیران با دارایی موجود اعتباری حرکت و فعالیت آن را ممکن می‌سازد.<sup>۱</sup> ایجاد صلاحیت و اختیار برای شخص نماینده اغلب به موجب اراده اصیل صورت می‌گیرد. در واقع، اراده جوهر این قسم از نمایندگی است که صلاحیت و اختیار تصرف را در اراده نماینده ایجاد می‌کند و البته پذیرش نماینده نیز در مواردی مطرح می‌شود.<sup>۲</sup>

با این اوصاف، هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، شخص حقیقی که اتهام متوجه او است احضار خواهد شد و به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی کند. با حضور نماینده شخص حقوقی، تنها اتهام انتسابی به شخص حقوقی وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. بدیهی است با توجه به اینکه نماینده متهم تلقی نمی‌شود، هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.

در این خصوص نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه قابل ملاحظه است. این نظریه این گونه بیان شده است که در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نماینده قانونی شخص حقوقی برای تحقیقات مقدماتی احضار خواهد شد؛ زیرا نخست اینکه شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی، به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرم شود. بنابراین، در صورت وجود دلایل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی، نماینده قانونی شخص حقوقی احضار می‌شود و دفاعیات او به نمایندگی از شخص حقوقی استماع می‌شود. دوم اینکه با توجه به هدف و فلسفه اصلی صدور "قرار تامین کیفری" این امر مختص اشخاص حقیقی است و در

<sup>۱</sup> کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴، ص ۷۶.

<sup>۲</sup> حاجیانی، هادی. حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار، ۱۳۸۶، ص ۴۹.

خصوص اشخاص حقوقی مصداق ندارد. بدیهی است صدور قرار تامین خواسته نسبت به اموال شخص حقوقی مطابق مقررات قانونی بلامانع است. (نظریه مشورتی شماره ۵۱/۹۴/۷-۱۷/۱/۱۳۹۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

در نتیجه عملاً جلب اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست، بلکه وفق مقررات آیین دادرسی کیفری، در صورتی که دلیل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی وجود داشته باشد، در صورت اقتضاء منحصر صدور قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کنند و یا قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا ازدست دادن شخصیت حقوقی آن شود امکان پذیر است. هریک از این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است و تخلف از این ممنوعیت‌ها موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعذیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

بنابراین، احضار شخص حقوقی عملاً به وسیله اخطار و با رعایت مقررات مربوط به احضار، جهت معرفی نماینده قانونی یا وکیل خود است و بر خلاف شخص حقیقی، جلب شخص حقوقی عملاً مصداق ندارد.

### تبیین اتهام به نماینده شخص حقوقی

هر متهمی باید از ماهیت جزایی جرم خود قبل از شروع تحقیقات مطلع شود تا بدین وسیله بتواند به طور مناسبی از خود دفاع کند. از این حق تحت عنوان حق تفهیم اتهام یاد می‌شود و باید در برگ احضاریه قید شود و به محض حضور متهم در نزد پلیس، به وی اعلام شود اتهام او چیست. اصل سی و دوم قانون اساسی در این رابطه چنین مقرر می‌کند: "موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود". تفهیم اتهام تبیین جرم ارتكابی و پیامدهای قانونی آن به متهم است، به نحوی که از وضعیت قضایی و حقوقی تکالیف خود به طور کامل مطلع شود و آمادگی دفاع را در مراحل مختلف دادرسی پیدا کند. برخی تفهیم اتهام را شروع تحقیقات مقدماتی می‌دانند و آن را این گونه تعریف می‌کنند: "تفهیم اتهام عبارت است از مطلع شدن متهم از مفهوم اتهام به وسیله ضابط دادگستری قبل از شروع تحقیقات و به منظور اطلاع و اقدام در جهت دفاع از حق قانونی خود. به عبارت دیگر منظور از تفهیم اتهام جزایی خود قبل از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه کند"<sup>۳</sup>.

بر اساس قوانین تفهیم اتهام، متهم باید از نوع جرمی که مرتکب آن شده است مطلع شود تا بداند چگونه از خود دفاع قضایی کند. اساساً در کلانتری‌ها این مهم در حیطه وظایف و اختیارات دایره قضایی آنهاست. در مواردی که حکم غیابی صادر می‌شود، در صورت واخواهی متهم، دادرسی قبل از رسیدگی مجدد ابتدا باید تفهیم اتهام کند. در سایر موارد، تفهیم اتهام توسط بازپرس یا دادیار تحقیق انجام می‌شود و مراتب صورت مجلس می‌شود. دادرسان تحقیق وظیفه دارند بلافاصله پس از تفهیم اتهام، ضمن رعایت و گوشزد کردن تمامی حقوق متهم، تکلیف وی را در خصوص نحوه حضور در مراجع قضایی جهت ادامه تحقیقات مقدماتی روشن کنند. معمولاً پس از تفهیم اتهام به متهم توسط مقامات تحقیق، با صدور قرار وضعیت متهم روشن خواهد شد.

همچنین اگر پس از رسیدگی ماهوی در دادگاه، بی‌گناهی شخص ثابت شود و دادگاه حکم تبرئه او را صادر کند، در واقع از وی رفع اتهام کرده است؛ هرچند حکم برائت در مرحله بدوی باشد. بنابراین، رفع اتهام با صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت انجام می‌شود و از زمان تفهیم اتهام تا هنگام رفع اتهام، شخص، متهم محسوب می‌شود.

<sup>۳</sup> منتصر اسدی، فاطمه. "حق دفاع در تحقیقات مقدماتی". پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: ۱۳۵۹، ص ۱۴

اشخاص حقوقی دارای ماهیتی اعتباری هستند و توسط اشخاص حقیقی ایجاد می‌شوند؛ برای مثال: در شرکت‌های تجاری، مجمع عمومی افرادی را به عنوان اعضاء هیئت مدیره انتخاب می‌کند و هیئت مدیره لاقبل یک شخص حقیقی را جهت انجام امور اجرایی به سمت مدیرعاملی انتخاب می‌کند و در نتیجه هیئت مدیره یا مدیر عامل، حسب مورد، نماینده قانونی شخص حقوقی محسوب می‌شوند. در خصوص اشخاص حقوقی حقوق عمومی نیز همین گونه است. به طوری که اشخاصی حقیقی مدیریت و اداره اشخاص مزبور را برعهده دارند و به نوعی نماینده اشخاص حقوقی هستند.

نمایندگی عنوانی است که بر مبنای آن شخص (نماینده) به نام و به حساب شخصی دیگر (اصیل) اقدام به انجام اعمال حقوقی یا اعمال مادی می‌کند، به گونه‌ای که آثار ناشی از اعمال حقوقی یا قرارداد مستقیماً متوجه شخص اصیل می‌شود.<sup>۴</sup> بنابراین، در خصوص اشخاص حقوقی، تفهیم اتهام موضوعیت ندارد، بلکه مقامات رسیدگی کننده اتهام وارده به شخص حقوقی را برای نماینده قانونی یا وکیل شخص حقوقی تبیین می‌کنند. لازم به ذکر است به استناد تبصره ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.

پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، درمورد وی اعمال نمی‌شود (ماده ۶۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری) اداره کل حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه‌ای چنین اظهار داشته است:

"در صورتیکه دلایل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی وجود داشته باشد، نماینده قانونی شخص حقوقی که حسب قانون وظیفه دفاع از منافع شخص حقوقی را عهده دار است می‌باید در مرجع قضایی حاضر و از اتهام تفهیم شده به وی دفاع نماید، در این خصوص تفاوتی بین دفاع از دعوای حقوقی و کیفری نمی‌باشد" (نظریه مشورتی شماره ۸/۱۱/۱۳۹۲-۲۱۲۹/۹۲/۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه)

وفق نظریه مسئولیت نیابتی، انتساب عناصر مادی و روانی جرم به شخص حقوقی عاریه‌ای است، یعنی شخص حقوقی عناصر دوگانه مذکور را از اعضاء و کارکنان خود قرض می‌گیرد، چنانکه اگر خدمه در اثنای انجام وظیفه یا به سبب آن جرمی را انجام دهند، شخص حقوقی را از حیث کیفری مسئول خواهند ساخت. ایرادی که به این نظریه گرفته‌اند این است که باعث گسترش نامعقول مسئولیت کیفری شخص حقوقی می‌شود؛ زیرا اگر هر یک از اعضاء جرمی را که در راستای انجام وظیفه است، هر چند، خودسرانه و بدون مجوز مرتکب شود، شخص حقوقی را مسئول می‌سازد.<sup>۵</sup> با وجود این، نمی‌توان اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی را علیه شخص حقوقی اقرار محسوب کرد و یا اتیان سوگند را متوجه وی کرد (ماده ۶۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

دیگر اینکه آیا این اقرار بما هو اقرار که در قانون مجازات اسلامی تعیین شده است، اعتبار دارد یا خیر؟ همانطور که در ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده که اقرار وکیل در مورد موکل و ولی در مورد مولی علیه اقرار محسوب نمی‌شود، اقرار نماینده شخص حقوقی هم در این موارد اقرار محسوب نمی‌شود، گرچه ممکن است قرینه یا

<sup>۴</sup> فتاوی خلیف آبادی، خلیل. "نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس". رساله دکتری، حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۴۲.

<sup>۵</sup> حسین جانی، بهمن، و مظاهری تهرانی، مسعود. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱.

اماره‌ای محسوب شود که طبق تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی باعث علم قاضی شود. اما اقرار به مفهوم حقوقی خاص آن محسوب نمی‌شود. همچنین سوگند تحت هیچ شرایطی متوجه نماینده شخص حقوقی نیست، زیرا سوگند ناظر به ارتباط فرد با خالق یکتا است و خصیصه شخصی دارد. بر این اساس به موجب ماده ۶۹۵ ق.آ.د.ک پیش‌بینی شده است " اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.

### صدور قرار تامین کیفری بر حسب مورد

از جمله مواردی که مقامات قضایی در تحقیقات مقدماتی باید به آن توجه کنند تناسب قرار با جرم است. با توجه به اینکه بسیاری از قرارها مانند قرار بازداشت متهم با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط خاص اشخاص حقوقی در مورد آن‌ها قابلیت اجراء ندارند، قانون آیین دادرسی کیفری در صورت وجود دلایل کافی برای اتهام شخص حقوقی، قرارهای تامینی خاصی را پیش‌بینی کرده است. از این رو در صورت وجود دلایل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی، در صورت اقتضاء منحصر صدور قرارهای تامینی که در دو بند پیش‌بینی شده‌اند امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح هستند (ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

از جمله این قرارها قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی است که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کنند (بند الف) ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). هر شخص حقوقی با محوریت فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی خاصی تشکیل می‌شود. به نظر می‌رسد این ممنوعیت شامل فعالیت‌های محوری شخص حقوقی نیست، زیرا برای مثال اگر یک موسسه غیر تجاری از فعالیت‌های اجتماعی اصلی‌ای که برای آن تشکیل شده است ممنوع شود، عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد و ممکن است منحل شود. بنابراین مشابه مجازات‌های تبعی و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی برای اشخاص حقیقی، این فعالیت‌های اجتماعی یا شغلی فرع بر فعالیت‌های اصلی شخص حقوقی محسوب می‌شوند. به طور منطقی این ممنوعیت‌ها باعث اختلال در روند فعالیت‌های شخص حقوقی می‌شوند. قانون‌گذار باید در مورد این ممنوعیت‌ها به نحو روشن‌تری سخن می‌گفت و همانند محرومیت از حقوق اجتماعی برای اشخاص حقیقی، مصادیق آنرا مشخص می‌کرد.

در قانون مجازات فرانسه قلمرو این مجازات مشخص شده است، چنانکه "ممنوعیت فعالیت‌ها را شامل می‌شود که جرم به مناسبت انجام آن ارتکاب یافته یا در حین انجام آن، مرتکب عمل مجرمانه را محقق ساخته است"<sup>۶</sup>. نکته گفتنی آنکه در این موارد ممنوعیت تنها شامل شخص حقوقی است و اشخاص حقیقی را شامل نمی‌شود. برخی معتقدند موسسان یا اعضاء شخص حقوقی محروم شده از انجام حرفه معین می‌توانند شخص حقوقی دیگری را برای انجام همان حرفه تاسیس کنند.<sup>۷</sup> ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی در درجه پنج است و اگر برای حداکثر پنج سال باشد، در درجه شش قرار می‌گیرد.

از دیگر قرارهای تامینی که ممکن است نسبت به اشخاص حقوقی صادر شود قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل است که باعث دگرگونی یا ازدست دادن شخصیت حقوقی آن شود (بند ب) ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). در این خصوص لازم است مباحثی در خصوص انحلال، ادغام و تبدیل اشخاص حقوقی بیان گردد.

<sup>۶</sup> فرج‌الهی، رضا. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرانسه، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹.

<sup>۷</sup> فرج‌الهی، رضا. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرانسه، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰.

پایان شخصیت حقوقی حقوق خصوصی و از جمله شرکت‌های تجاری با انحلال آن‌ها واقع می‌شود و انحلال شرکت‌ها به دو صورت اجباری و اختیاری صورت می‌گیرد. البته اشخاص حقوقی بعد از انحلال بی‌درنگ از هم نمی‌پاشند و شخصیت حقوقی آن‌ها تا تصفیه بدهی‌ها و دارایی‌ها و اجرای تعهدات آن‌ها به وسیله مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی باقی می‌ماند (ماده ۲۰۸ قانون تجارت)، بقای شخصیت حقوقی این اشخاص تنها برای امور معوق است، نه آنکه بتوانند به کار تازه‌ای اشتغال یابند.<sup>۸</sup> در نظام حقوقی ایران، در بحث حقوق شرکت‌های تجاری، ادغام عبارت است از "اقدامی که بر اساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند" (بند ۱۶ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۷). در این مفهوم ادغام از یک سو در مقابل تجزیه قرار دارد، بدین معنا که در ادغام، یک شرکت تجاری کنترل یک شرکت دیگر را از طریق جذب آن در دست می‌گیرد، در حالی که در تجزیه غالباً کنترل یک شرکت تجاری در دست دو یا چند شرکت قرار می‌گیرد، زیرا تجزیه اقدامی است که بر اساس آن یک شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، دو یا چند شخصیت حقوقی جدید تشکیل دهد (بند ۱۷ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۷). در این مفهوم از ادغام، از حیث محو شخصیت حقوقی حداقل دو شرکت با هم اشتراک دارند. در مورد تبدیل شرکت‌ها، با توجه به آنکه حقوقدانان به عدم تغییر تعهدات شرکت پس از تبدیل ابراز عقیده کرده‌اند، موجه است که تبدیل شرکت مانعی برای مسئولیت کیفری شناخته نشود.<sup>۹</sup> لازم به ذکر است مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، تخلف از ممنوعیت تغییر ارادی وضعیت شخص حقوقی موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعذیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است (ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

همچنین افزون بر قرارهای مذکور، در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی صدور قرار تامین خواسته بلامانع است (ماده ۶۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری). در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود (ماده ۶۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری).

زمانی که تحقیقات مقدماتی به پایان رسید، دادرس تحقیق موظف است قرار نهایی خود را صادر کند. قرار نهایی شامل قرار موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب و قرار مجرمیت (قرار جلب به دادرسی) است. قرار موقوفی تعقیب از قرارهای امری است، زیرا مربوط به نظم عمومی است. دادرس یا مقام قضایی مسئول صدور این قرار به محض احراز یکی از موارد صدور، چنانچه در مرحله تعقیب باشد، تعقیب جزایی مشمول علل موقوفی تعقیب را متوقف می‌کند و چنانچه حکم صادر شده باشد، بلافاصله قرار موقوفی تعقیب و اجرای حکم را صادر می‌کند و چنانچه متهم زندانی باشد، باید فوراً آزاد شود. متهم یا محکوم یا اولیای وی نمی‌توانند قرار مذکور را نسبت به خود یا فرد مورد نظر سلب کنند و درخواست تعقیب یا اجرای حکم را کنند. همچنین، از اصل امری بودن نتیجه دیگری که استنباط می‌شود این است که دادرس مکلف است چنانچه متهم یا محکوم به آن استناد نکرده باشند، بررسی کند که آیا نامبرده مشمول این قرار می‌شود و اگر در این امر تردید کرد، این مقام باید حتماً علت موقوفی را احراز کند.

ممکن است شخص حقوقی به صورت غیر ارادی منحل شده باشد. در این صورت چنانچه حکمی در خصوص شخص حقوقی صادر نشده باشد و رسیدگی کیفری به جرائم شخصی مذکور در جریان باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر

<sup>۸</sup> صفار، محمدجواد. شخصیت حقوقی، تهران: نشر دانا، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶.

<sup>۹</sup> موسوی مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی. دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶.

می‌شود و چنانچه شخص حقوقی منحل شده باشد و حکم انحلال شخص حقوقی مذکور صادر شده باشد، با توجه به اینکه حکم صادره قابلیت اجرا ندارد، قرار موقوفی اجرا مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری صادر می‌شود. همچنین در مورد دیه و خسارتی که از جرم شخص حقوقی ناشی شده‌اند وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود (ماده ۶۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری).

### نتیجه گیری

در مورد دادرسی اشخاص حقوقی باید چنین نتیجه گیری کنیم که اصل بر این است که مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی هم جاری است مگر مقررات افتراقی آیین رسیدگی جرائم اشخاص حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، تبیین اتهام شخص حقوقی که هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، افزون بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه اوست، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی خود را معرفی کند. پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای تبیین می‌شود. در نتیجه، در این رابطه تفهیم اتهامی صورت نمی‌گیرد. زیرا شخص حقوقی وجود اعتباری دارد و نمی‌توان آن‌ها را مانند اشخاص حقیقی تفهیم اتهام کرد. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است. بنابراین وی در جایگاه متهم نیست و هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر برای متهم از جمله جلب و بازداشت در مورد وی اعمال نمی‌شود. در نهایت، در عمل جلب اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست. بلکه وفق مقررات آیین دادرسی کیفری، اگر دلیل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی وجود داشته باشد، در صورت اقتضاء قرارهای خاصی را صادر می‌کنند.

با توجه به اینکه بسیاری از قرارها مانند قرار بازداشت متهم، با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط خاص اشخاص حقوقی قابلیت اجراء ندارند، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری در صورت وجود دلیل کافی برای توجه اتهام به شخص حقوقی، در صورت اقتضاء منحصر صدور قرارهای تامین خاصی امکان‌پذیر است: قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کنند و قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن می‌شوند.

با توجه به اینکه اشخاص حقوقی نوعاً می‌توانند مجرم واقعی را در مجموعه خود پنهان سازند، در اشخاص حقوقی قدرتمند، یافتن فردی که مجرم واقعی است اغلب کاری دشوار است. در حالی که خطر ورود آسیب‌های شدید از ناحیه اینگونه اشخاص حقوقی بیشتر است. این امر باعث می‌شود اشخاص حقوقی به عنوان سپربلای مجرمان به ویژه مجرمان یقه‌سفید مورد سوءاستفاده قرار گیرند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات مقدماتی اصل برائت در مورد متهمانی که در قالب اشخاص حقوقی جرمی را مرتکب می‌شوند مورد استثناء قرار گیرد و اصل بر گناهکاری آن‌ها باشد. در این حالت شناخت و مجازات مجرمان یقه‌سفید که در قالب اشخاص حقوقی فعالیت مجرمانه دارند آسان‌تر خواهد بود.

## منابع

۱. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار. *حقوق جزای عمومی*، جلد اول و دوم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
۲. بکاریا، سزار. *رساله جرائم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
۳. بیکس، براین. *فرهنگ نظریه حقوقی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.
۴. حاجیانی، هادی. *حقوق نمایندگی*، انتشارات دانش نگار.
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر. *اندیشه‌های حقوقی*، انتشارات نگاه بین، جلد دوم، چاپ اول.
۶. حسین جانی، بهمن و مظاهری‌تهرانی، مسعود. *اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ص ۱۱۱.
۷. صفار، محمد جواد. *شخصیت حقوقی*، تهران: نشر دانا، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶.
۸. طهماسبی، جواد. *جلوه‌های نوین در حقوق کیفری*، نشر میزان، ۱۳۹۶، چاپ اول.
۹. فرج‌الهی، رضا. *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹، ص ۱۶۰.
۱۰. کاتوزیان، ناصر. *قواعد عمومی قراردادها*، شرکت سهامی انتشار، جلد دوم، ۱۳۹۴.
۱۱. موسوی‌مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی. *دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶.
۱۲. نیازپور، امیرحسین. *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*، تهران: نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
۱۳. مقاله فارسی:
۱۴. انصاری، باقر. *موضوعیت یا طریقت داشتن قوانین برای قاضی*، مجله‌نامه مفید، شماره ۴۶.
۱۵. پایان‌نامه و رساله:
۱۶. قنواتی‌خلف‌آبادی، خلیل. *نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس*، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۴۲.
۱۷. منتصراسدی، فاطمه. *حق دفاع در تحقیقات مقدماتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۴.
۱۸. قوانین:
۱۹. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اصلاحی (۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ میلادی).
۲۰. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) و الحاقی (۱۳۹۴).
۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با آخرین اصلاحات و الحاقات (۱۳۹۳/۷/۱۵).
۲۳. قانون مجازات عمومی جدید فرانسه.
۲۴. لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب، ۱۳۴۷.